

# دیدگاه‌های مدیریتی سوره عصر

محسن عبدالهیی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت  
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
کلید واژه های انتخابی: باسم الله، الرحمن، والعصر، توأسی به  
حق، توأسی به بالصبر

## الرحمن

- وقتی به یکی از صفات خلوت‌نویس از تبیین چشم‌انداز کلی (بسم‌الله) می‌رسیم، بدین معنی است که اهداف باید اجرایی تر و شفاف تر بیان گردد تا بتوان آنها را عملی کرد.

- ذکر این صفت از ریشه «رحم» تأکید بر جنبه‌های لطف و مهربانی است یعنی در سازمان، روابط و اهداف باید از منشأ خیرخواهی، امید و رحمت باشد تا رویکرد افراد نیز مثبت گردد (نه از منشأ تحکم و فرمان و خشم‌گیری).

- استفاده از صفت رحمان با صیغه فعلان که صفت مشبیه و بیانگر ثبوت و تنبیت رحمت و فضل در خلوت‌نویس است بدین معناست که مدیریت باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری و عمل نماید که تلقی و دریافت کلی از آن، همان صفت رحمت و عطوفت و لطف به کارکنان باشد.

- صفت رحمت و لطفه برای ادامه روند سازمان و مدیریت بسیار ضروری است چرا که افراد در می‌یابند که هر کاری و هر تصمیمی اتخاذ می‌شود این جنبه در آن لحاظ شده و لذا حتی اگر عقوبت و مواخذه‌ای هم برای کسی مشخص شود با کمال میل می‌پذیرد (زیرا می‌داند که در راستای پیاده‌سازی همین صفت در سازمان است).

یعنی اگر عطا یا منعی در سازمان صورت گیرد دریافت کارکنان اینگونه است که حتماً مصلحتی در راستای مهوروزی و عطوفت بوده که چنین شده و آن را یک خصومت شخصی قلمداد نمی‌کنند.

- ضرورت صفت رحمانیت (در مقابل رحیمیت) و استفاده از عمومیت رحمت که ناظر به دسترسی امکانات بین تمام کارکنان، در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

در همه سطوح و حتی مدیریت می‌باشد.

به این مفهوم که خلوت‌نویس متعال حداقل‌هایی از رحمت را برای تمام موجودات ایجاد و خلق کرده است و بنا به شایستگی‌های آنان، از التفات ویژه (رحیمیت) بهره‌مند می‌گردند و لذا در سازمان هم یک عنایت و امکانات حداقلی را برای همه کارکنان در یک سطح خاص نیاز است؛ و بعد از آن می‌توان سایر امکانات مازاد را انگیزشی و بنا به استحقاق افراد تقسیم کرد.

## - بسم الله

در میان اقوام و ملل مختلفه رسم است که کارهای مهم و با ارزش خود را به نام بزرگی از بزرگان که مورد احترام و علاقه آنهاست شروع کنند تا از آغاز و ابتدا کار با آن شخص مرتبط باشد.

## هدفناری و داشتن رسالت سازمانی:

وقتی به نام مقدس‌ترین و بزرگترین فرد یعنی آفریدگار، کار شروع می‌شود پابندی به دستورات وی نیز لازم الاجراست لذا هدفناری و تعهد به رسالت سازمان و موسسین آن، از مقدمات حفظ آن است.

شروع کار با نام یک بزرگد

- کسی در سازمان که مورد علاقه و احترام همه کارکنان است. این فرد باید مدیر و رهبر سازمان باشد رهبری کارزماتیک یکی از مصادیق این نوع از رهبری است.

- وقتی از ابتدا کاری را با نام خدا شروع می‌کنیم، یعنی هدفناری کار و تقدس آن که این حالت باید تا پایان کار حفظ شود. در سازمان نیز لحظه به لحظه بایستی عملکرد با سیاست‌ها تطابق داده شوند.

- همچنین شروع کار خیلی مهم است و سنگ بنای اصلی ادامه و اتمام کار در چگونگی شروع زبخته است (دقت در شروع طرح‌ها و تصمیم‌سازی آنها).

لزوم تأسی به آفریدگار و قطع امید از غیر او:

- بیانگر تعهد افراد به سازمان و از طرفی، مهم دانستن فعالیت خود در سازمان (تأکید بر نام آن شرکت یا سازمان که در آن کار می‌کنند می‌باشد تا حدی که افراد افتخار کنند که جزء خانواده شرکت (مثلاً خانواده سونی) هستند.

در این حالت حتی در اوقات خارج سازمان نیز در فکر موفقیت و استیلای آن و در تلاش برای پیشرفت و تطور آن هستند.

لزوم طراحی بودن مجری:

- اینکه خلوت‌نویس خالق عالم است و هم مدیر و در همه امور هم از او استمداد می‌کنیم، این را می‌رساند که کسی که طرح و مبدعه بوده انجام دهنده و مدد هم هست پس در سازمان هم برای مرحله تصمیم‌گیری طرح، جلب مشارکت مجریان طرح و کارکنان الزمی است.

- تأکید بر بلند گفتن شعار بسم‌الله، تأکید بر شفافیت، عملی بودن و اجرای علنی رسالت سازمانی است.

## والعصر

منظور از کلمه عصر می‌تواند یکی از معانی زیر باشد:

در لغت به معنی فشار است.

با توجه به سیاق آیات چون سختی و مضیقه باعث هدفمندی، غفلت‌زدایی، خالص‌سازی، تلاش برای رهایی و ابتکار انسان می‌شود. در سازمان نیز هنگام سختی‌ها، شنیدن و بحران‌ها، هم مدیریت و هم سازمان بایستی حداقل استفاده را از این دوران داشته، تجارب مفیدی بیاندوزند و دست به نوآوری‌های جدید بزنند.

لذا لزوماً رکود و سختی برای سازمان نمی‌تواند تهدید باشد و با اتخاذ سیاست‌هایی، می‌تواند برای سازمان ما تبدیل به فرصت گردد.

عصر ظهور اسلام:

با توجه به سیاق آیات، اگر واژه عصر را به این معنا اتخاذ کنیم ظهور

اسلام مقارن با روشنگری ها، دستاوردها و موفقیت های چشمگیر مسلمانان است که این سوره با دستور به خاسر بودن انسان، توجه ما را معطوف به مسائل و غفلت های قبل از اسلام می کند  
لذا در دوران رونق و موفقیت سازمان، همواره مدیریت باید در فکر دوران رکود و شکست هم باشد و یکسره فریفته دستاورد ها نگردد و همواره احتمال شکست را به سازمان خود داده و تنابیر پیشگیرانه اتخاذ کند.

عصر به معنای عصاره هستی یعنی انسان:

انسان با توجه به اینکه محوریت نظام هستی، کل قرآن کریم و این سوره با انسان است، و همه برای تمتع و رشد انسان آفریده شده است، محور متلیع انسانی در سازمان نیز به همین شکل مهم بوده و جزو پر ارزش ترین متلیع سازمانی است.

در دهه های اخیر موفقیت یا شکست های سازمانی، عمدتاً با خطر اختلاف در نیروهای انسانی آنها بوده است.

- خداوند به دوران تاریخ بشر، سوگند یاد کرده و بر ارزش آن تأکید می کند (والعصر) پس نباید آن را بیهوده از کف داد همچنین امروزه عامل زمان بعنوان یک مزیت رقابتی در ارائه محصولات و خدمات نوین و جذب مشتری بسیار مفید است. ضرورت پندگیری از زمان ها، تجارب و آموخته های گذشته، و اهمیت موضوع مدیریت دانش در سازمان و انتقال تجربه مدیران و کارکنان در سازمان، بر مبنای اشارت و تذکر سوره به این امر مورد تأکید است.

### تواصی به حق:

با وجود اینکه شرط عمل صالح در عبارت «عملوا الصالحات» قید شده و دعوت به حق یکی از اعمال صالح است ذکر خاص بعد از عام صورت گرفته که هدف، تأکید بر این خاص (دعوت به حق) است.

لذا مدیر بایستی غیر از اینکه خطوط و چارچوب های کلی و مبسوط سازمان را مشخص می کند، بر مسائل مهم و حیاتی سازمان و اهداف مورد تأکید بصورت ویژه به کارکنان تذکر بدهد.

همچنین ذکر تواصی به حق بعد از عمل صالح، از این جهت است که کل های مؤمنین (امنوا و عملوا الصالحات) بایستی دچار خودخواهی و غرور نشسته حتی بعد از ایمان نیز پذیرای دعوت به حق و پندهای اصلاحی باشند یعنی در سازمان نیز باب نصیحت و خیرخواهی چه از طرف مدیریت و چه کارکنان (ساختار بالا به پایین و پایین به بالا) هرگز نباید بسته باشد و در سازمان نیز هیچکس مصون از خطا و اشتباه نیست آنجا که حضرت علی (علیه السلام) هم به کارگزاران حکومتی در نامه خویش به مالک اشتر گوشزد می کند که اگر خطایی در من دیدید به من بگویید نیز موبد این مطلب است.

با توجه به طرفینی بودن باب تواصی نتیجه می شود که همه اعضای جامعه و سازمان می توانند باید یکدیگر را به حق و صبر سفارش کنند یعنی هیچگونه محدودیتی در پیشنهاد های سازنده نباید باشد بعلاوه اینکه، اگر همه افراد و کارکنان بدون توجه به سایرین کار کنند

منجر به کارایی و اثربخشی سازمان نمی شود (اگر اینطور بود، تنها صفت امنوا و عملوا الصالحات کافی بود) بلکه با ذکر عبارت تواصی با حق و تواصی به صبر در صدد است که بیان کند رشد و تعالی و کارایی سازمان، تنها در شرایطی است که کلیه اعضاء و بخش ها نسبت به سایرین، حساس بوده و در صدد بهینه کردن و تعامل سازنده و هم افزایی میان بخش های مختلف و کارایی و اثربخشی در کل سازمان برآیند به بیان دیگر، عملکرد اعضاء و کارکنان، از یکدیگر جدا نیست و بر هم تأثیر گذار است.

### تواصی به صبر:

اطلاق واژه صبر در این آیه، می تواند شامل یکی از سه نوع صبر زیر باشد:

صبر در اطاعت:

یعنی هنگامی که طبق قوانین و در راستای تکمیل وظایف و انجام تعهدات سازمانی گام بر می داریم؛ گرچه دشوار است تا به هدف برسیم، ولی این سختی را با صبر به جان بخریم.

صبر در نافرمانی و مصیبت:

یعنی گرچه رها کردن کارها و یا عمل کردن بر خلاف دستور العمل ها و رویه های سازماندهی شده که ما را به اهداف می رساند، آسانتر از اجزایی کردن آنهاست، ولی با تحمل در این مرحله، هدف سازمانی محقق می شود.

صبر در مصائب:

گرچه در طی طریق سازمان، مشکلات و دشواری هایی پیش آمده و بعضاً مواجه شدن با آنها برای کارکنان و سازمان بسیار سخت است؛ مثلاً در شرایط نامطلوب اقتصادی، در مواجهه با یک بحران، در هنگام پیشی گرفتن رقبا و... ولیکن عبور از این موقعیت نشان از استواری و ثبات کارکنان و هدفمندی سازمان دارد.

- گرچه در آیه قبلی واژه عمل صالح ذکر شده سپس تواصی به حق آمده که از مصادیق عمل صالح است دومرتبه اینجا تواصی به صبر آمده که خود از مصادیق تواصی به حق است (صبر هم نوعی حق است) علت این تأکید و

تواصی، اهمیت زیاد صبر است که سازمان را در تلاطم مصائب به پیش می برد. انعطاف بخش های مختلف سازمان، تعامل صحیح آنها با هم و رویه های صحیح این ثبات و صبر را در شرایط گوناگون برای آن فراهم می کند. گرچه سفارش به حق بین کارکنان سخت و از طرفی پذیرش آن هم مشکل است، ولی این صبر است که قدرت شنیدن حق را به افراد می دهد و شرایط را برای اصلاحات سازمانی فراهم می کند.

گرچه وقتی مفید است که در چند قطره ی بنزین تراکم زده شود برای اینکه فشارش به حدی که کار را بشود نیاز داشت که افراد با صبر،

شرایط تراکم بنزین و آمادگی شنیدن حق و تحرک را فراهم کنند - صبر است که گوهر ناب را آماده بیرون آمدن می کند و تحمل آتش است که طلا را ناب می کند یا تحمل سختی ها، کمبود ها و محدودیت هاست که سازمان ها به اهداف عالی خود دست می یابند.

### دیدگاه اول

#### بسم الله :

- بسم الله رمز بقاء و دوام است . پس مدیر باید برای دوام و بقاء فعالیتها ، به ستون محکمی که فنا ناپذیر باشد متکی شود  
- بسم الله نشانگر رنگ الهی و جهت گیری توحیدی است ، پس مدیر باید برای کار خود هدف واحدی را برای کارکنان تعیین کند  
- مدیر باید اهداف و موضوعات را تعیین کند

#### رحمن :

- رحمت گسترده الهی است . مدیر باید بین کارکنان خود تعمیم قائل نشود  
- نشانه ی اصرار بر رحمت است : تلاوم در فعالیتها باعث پیشرفت و بهبود آنها می شود  
- رحمت ویژه ای است که تنها بر نیکوکاران نازل می شود : نسبت به افراد فعال و کوشا نباید بی تفاوت بود ، بلکه باید به صورت ویژه آنها را مورد تشویق قرار داد  
- نظارت و اصلاح برنامه ها سبب بهبود کارایی خواهد شد

#### والعصر :

- فرصت ها ، دور نمایه اصلی استراتژی هستند و بدون آن هیچ نتیجه ای عاید نخواهد شد  
- اولین شرط برای موفقیت و بالا بردن کارایی ، شناخت زمان است . ضعف کارایی در یک سازمان نتیجه استفاده نکردن از فرصت ها است  
- توأسی به حق :  
- توأسی به حق برای اینکه از مسیر خود انحراف نگیرد : تطابق با محیط پویای سازمان ، مستلزم وجود ناظران و پذیرش توصیه های متقابل است

#### توأسی به صبر :

- به صنایع جدید در سازمان باید گوش داد  
- اهداف سازمان جز با ایستادگی در برابر موانع و مشکلات محقق نخواهد شد  
- در شکست ها یاور یکدیگر بودن و ایستادگی کردن مایه پیروزی است

### دیدگاه دوم

#### بسم الله :

- بسم الله عامل قداست یافتن کارهاست : داشتن آرمان واحد ، عامل اصلی همکاری کارکنان سازمان است . (آغاز گر کارها)  
- ترسیم وضعیت مطلوب یا مورد انتظار سازمان از وظایف مدیران

#### رحمن :

- رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است : موسیقی در امور نشانه اراده ای جدی در انجام آنهاست

#### رحیم :

- بهره گیری از اصول مدیریت کیفیت ، نشانه اشرف مدیر سازمان بر امور است

#### والعصر :

- سراسر زمان تلف شده در یک مجموعه مملو از درسهای عبرت و نکات آموزنده است  
- بهره گیری از زمان ، رمز بهبود کیفیت امور یک سازمان است  
- بررسی موانع و چالش های درون سازمانی باعث استفاده حداکثری از زمان خواهد شد

#### توأسی به حق :

- توأسی به حق برای شناخت حق : بهره گیری از نظرات یکدیگر موجب ، بهبود وضعیت کاری می شود  
- موفقیت در گرو شناخت صحیح ارمانهای سازمان است  
- زیر بنای همه فعالیتهای سازمان شناخت درست و عمل به آن است

#### توأسی به صبر :

- نادیده گرفتن حق ، سبب انحراف از مسیر اصلی خواهد شد  
- ضامن اجرای امور یک سازمان توأسی به بردباری در انجام کارها هنگام رویارویی با مشکلات است  
- صبر و ایستادگی زیر بنای همه فعالیتهای یک سازمان است

### انگیزش یکی از منابع مهم درونی مدیریتی انسانها

رفتار اساسا هدفمند است. به عبارت دیگر رفتار انسان معمولا با میل رسیدن به هدفی خاص برانگیخته می شود. که این میل درونی را انگیزه میگویند. که این خود یکی از عوامل مهم مدیریتی در رهبری فرد است که اکثریتان به افراد انگیزه ای مناسب را القا کرد می توان از هنر رفتن نیروی انسانی جلوگیری کرد و از منابع انسانی به نحو احسن در پیشبرد اهداف سازمانی استفاده کرد

در این سوره بعد از اشاره به دو عنصر مهم زمان و ایمان به این مهم اشاره می کند. اینکه اگر ما بتوانیم انگیزه های درونی و فطری افراد را با توصیه و تذکر آنها به رفتار نیک برانگیزیم باعث می شود که منابع انسانی در یک سازمان یا مجموعه مدیریتی بهترین کارایی را داشته باشد. در این سوره بعد از اشاره به عنصر زمان و ایمان که دو اصل راهبردی در مدیریت است به توصیه کردن و تذکر دادن به حق و صبر سفارش شده است. که اگر این تذکر به صورت متواتر و پی در پی باشد جان فزا می شود.

البته که باید این تذکر، تذکر سازنده و مفیدی باشد که انسانها را از به اشتباه رفتن حفظ کند، زیرا همین اشتباهات است که باعث می شود انسان عنصر مهم زمان را از دست بدهد و با توصیه و تذکر است که انسان نیرومند میشود و به طرف عمل کردن حرکت کرد می کند. توأسی به حق انسان را به حق متذکر می کند و توأسی به صبر و صبر توصیه می کند. که این دو عمل نشانه های بیرونی و ظاهری ایمان هستند و اجزاء مهم عمل صالح به شمار می روند و انگیزش یکی از منابع مهم درونی در رهبری انسانهاست که اگر درست استفاده شود موجب پیشرفت سازمان را باعث می شود.

یکبارچه منبع زمان را کمتر از دست می دهید، چون شخص با ایمان تمام امکانات درونی و بیرونی را در یک راستا صرف می کند و از به هدر رفتن سرمایه ها جلوگیری می کند. بنابراین مدیر با ایمان، زودتر و بهتر به نتیجه مطلوب خود خواهد رسید.

### زمان یکی از منابع مهم مدیریت

اولین عنصر مدیریتی که در سوره والعصر به آن اشاره شده است عنصر زمان است. زمان یکی از منابع مهم مدیریتی به شمار می آید و انسان برای رسیدن به هدف باید بتواند منابع را به نحو احسن مدیریت کند. و شاید بتوان این تعریف را یکی از ساده ترین تعاریف مدیریت به شمار آورد که «مدیریت یعنی هدایت منابع برای دستیابی به اهداف». و زمان فرصتی است که به انسان داده شده است تا بتواند با استفاده از منابع به اهداف برسد. در این سوره زمان بزرگ شده است تا توجه انسان را به خود جلب کند.

بنابراین اولین آیه این سوره این طور با مدیریت رابطه برقرار می کند که لولا زمان یکی از منابع مدیریتی است و ثابیا به آن قسم می خورد تا بزرگی آن را برساند. در مدیریت برنامه ریزی، ظرفیت های موجود را مطالعه می کنند، به گذشته و حال نگاه می کنند نقاط قوت و ضعف را استخراج می کنند و به حال و آینده نگاه می کنند فرصت ها و تهدیدها را استخراج می کنند.

نقاط قوت و ضعف نقاط پایدارند و فرصت ها و تهدیدها ناپایدارند. اما فرصت ها و تهدیدها با هم ناپایدار نشان موجودیت سازمان و مجموعه ای را که مدیریت می شوند تحت تاثیر قرار می دهند که ممکن است موجبات رشد سازمان را فراهم کنند یا هستی سازمان را مورد تهدید قرار دهند.

فرصت ها و تهدیدها مربوط به آینده هستند و نقاط قوت و ضعف معمولا پایدارند و از گذشته بوده اند و ممکن است باز هم باشند. اگر با این نگاه به این سوره نگاه کنیم سوره والعصر به انسان هشدار می دهد عنصر زمان برای انسان نقطه ضعف است زیرا انسان همیشه عنصر زمان را از دست می دهد. چون زمان در اختیار انسان نیست و نمی تواند آن را متوقف کند و همین باعث می شود که موجودیت انسان در معرض خسارت باش و این خسارت پایدار است و همیشه همراه انسان است و اگر متذکر نباشیم می تواند در آینده برای او یک نوع تهدید به حساب آید.

باید به انسان هشدار داد که اولاً زمان محدود است و ثابیا در حال تمام شدن است.

این سوره در زلمه راههای استفاده بهینه از این عنصر را بیان می کند. چهار عنصر ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و توأسی به صبر باعث می شود از عنصر زمان به نحو احسن استفاده کرد و در همین راستا مدیریت موفق را نیز به دنبال خواهد داشت.

### کارکرد های ایمان در مدیریت

یکی از عناصری که در سوره والعصر به آن اشاره شده است عنصر ایمان است. ایمان به انسان یکپارچگی می دهد و وقتی مدیری از یکپارچگی درونی برخوردار باشد این یکپارچگی در اعمالش نیز ظاهر می شود در مدیریت انسجام و یکپارچگی یک عنصر راهبردی است. زمانی که منابع انسانی و غیر انسانی با هم هماهنگ می شوند باعث زودتر به هدف رسیدن می شود. ایمان استعدادهای درونی را یکپارچه می کند و به تناسب استعدادهای درونی امکانات بیرونی را نیز در رسیدن به اهداف یکپارچه میکند تا زودتر به اهدافش برسد.

در این سوره بعد از اینکه عنصر زمان را به عنوان یکی از منابع راهبردی در مدیریت متذکر می شود که انسان نسبت به آن در خسارت است. انسان را به عنصر ایمان تذکر می هد که اگر مومن شوید و

برای اعمال مدیریت زمان به نحو احسن و مطلوب مدیران  
بایستی موارد زیر را مورد توجه قرار دهند:

- تعیین برنامه ها با نقطه پایان مشخص و ارزیابی برنامه در طول مدت اجرای برنامه (نه فقط در انتهای آنها).
- آموزش کارکنان متناسب با نیازهای آنان.
- جذب و استخدام پرسنل متخصص و با تجربه تا فعالیت های سازمان را به نحو احسن به انجام رسانند.
- تقویت روحیه و انگیزه کارکنان تا تعهد و وفاداری آنان به سازمان افزایش یابد.
- آگاهی از روش ها و تکنیک های تصمیم گیری و برنامه ریزی نوین و بومی سازی و کاربرد آنها.
- توجه به تغییرات محیط و تعیین برنامه هایی منطبق با آنها.
- تجزیه تحلیل و شناخت فرصتها و تهدیدهای محیطی، ضعف ها و قوت های سازمانی.

### الانسان لفی خسر:

تفسیر: مراد از کلمه انسان جنس انسان است، و کلمه خسر و خسران خسر و خساره همه به معنی نقص در سرمایه است، و اغلب می گویند این کلمه هم در مورد انسان استعمال می شود و گفته می شود: فلانی خسران کرد و هم در مورد عمل انسان یکار می رود و می گویند: تجارت فلانی خسران کرد. و اگر در آیه مورد بحث کلمه خسرون الف و لام آمده به منظور بزرگداشت آن بوده و خواسته بفهماند انسان در خسراتی عظیم است. بر طبق این آیه انسان و عملکردهای او همواره در معرض خطا و لغزش است بنابراین برای به حداقل رساندن این امر بهترین راه حل شاید پرهیزگاری و ارزیابی اعمال و فعالیت های بطور مداوم باشد؛ تا انسان لغزش هارانشناسایی کرده و در صدد رفع آنها برآید. این روند در سطح کلان تر در سازمان ها نیز اجرا می گردد. در هر سازمانی حتی در موفقی ترین سازمان ها اگر سیستم مدیریت حالتی ایستا داشته باشد، سازمان نهایتاً نابود شده و به ورشکستگی خواهند رسید.

بنابراین در تمامی سازمان ها یک سیستم ارزیابی عملکرد دائمی، بایستی وجود داشته باشد.

ذرفرآیند مدیریت عملکرد مدیران بایستی از یک دید سیستمی (جامع نگریا کل نگر) برخوردار بوده و آنان بایستی تمامی عملکردهای سازمان را از آغاز تا پایان کنترل و ارزیابی نمایند.

در سیستم های مدیریت عملکرد، مدیریت سازمان (مدیران ارشد، میانی، فنی) فعالیت های هر بخش را همسو با اهداف کلان سازمان، برنامه ریزی، هدایت، کنترل و ارزیابی می نمایند و در پایان یک بازخور از این برنامه ریزیافته، نتایج و آزارها در آن خاد برنامه های بعدی استفاده می نمایند. بنابراین برای جلوگیری از هر نوع زیان و خسارت در سازمان تغییر و برنامه ریزی مجدد و کنترل منظم ضروری خواهد بود.

قران بی شک منشور هدایت جامعه بشری است و چیزی از آن نیکوتر برای هدایت و آموختن وجود نداشته است. در این منشور هدایت، می توان برای تمامی عرصه های علوم و فنون و هر پدیده ای در هستی و کائنات مطلب و آموزه ای کامل و مفید یافت، تنها (با توجه به دستور همین کتاب آسمانی) نیازی کمی تدبر و اندیشه است تا از این آیت خداوندی درب هایی از رحمت و عنایت بر شما گشوده گردد، و شما ریشه بسیاری از علوم و اصول شناخته شده و شناخته نشده را در آن بیابید. در این مقاله سعی شده است تا سوره مبارکه "عصر" را از دیدگاه مدیریتی بررسی کرده و از دل آن اصول و آموزه هایی را برای مدیریت و مدیران سازمانها یافت.

در این مقاله از منظر چهار دیدگاه از سوره "عصر" شامل: ۱- والعصر - ۲- الانسان لفی خسر - ۳- الاالذین آمنوا و عملوا الصالحات - ۴- توأصوبالخلق؛ به موضوع مدیریت پرداخته شده است.

### والعصر:

تفسیر: "در برخی روایات مراد از عصر، یعنی آخر روز است. چون این وقت دلالت دارد بر تدبیر ربوبی که روز را می برد و شب را می آورد و قدرت و سلطنت را از روز یعنی خورشید سلب می کند. مراد شب و روز است که اصطلاحاً به آن عصران گفته می شود." در دوران امروز که تقریباً هر شبانه روز شاهد هزاران تغییر در عرصه جهانی می باشیم، و همواره شاهد پدیده هایی نو در عرصه علوم و فنون هستیم مدیران سازمانها و کارها بایستی این روند رو به رشد تغییرات را در نظر داشته باشند، هر سازمانی دارای مجموعه ای از اهداف و استراتژی ها است که برای رسیدن به آنها دارای برنامه ها و روش هایی خواهد بود، تا رسیدن به اهداف یا سریعترین و اثربخشترین شکل ممکن حاصل گردد. اما در طی این روند سرعت در گذر زمان، سازمانها باید خود را با شرایط محیطی و تغییرات آن همسو نمایند؛ که مهم ترین عامل در تطابق سازمان با این اهداف تغییرات اعمال کنترل و ارزیابی دقیق بر زمانی است (مدیریت زمان) که سازمان بایستی صرف رسیدن به این اهداف نمایند. همان گونه که روز و شب در گردش است و زمان به سرعت طی می شود مدیریت زمان و کنترل برنامه ها و مجریان آن بسیار با اهمیت خواهد بود. مدیران بایستی برنامه ها و طرح هارادریک محدوده زمانی معلوم با یک نقطه آغاز و پایان مشخص طراحی نمایند تا بدین ترتیب بتوانند با کمترین هزینه به بهترین سود و اثربخشی دست یابند.

## الالذین آمنوو عملوا الصالحات:

تفسیر: "الا الذین آمنو وعملوا الصالحات این استثنا (دوری از خسران) استثنایی از جنس انسان است که محکوم به خسران است، و استثناشدگان افرادی هستند که متصف به ایمان و اعمال صالح باشند چنین افرادی ایمن از خسرانند و این بدان جهت است که کتاب خدا بیان می کند که انسان موجودی همیشه زنده است و زندگی با مردن خاتمه نمی یابد..."

پس از ایجاد مدیریت علمی و انقلاب صنعتی و چندین دهه پس از آن سازمان ها تنها در بطن اقتصادی و سودآوری فعالیت می کردند. برای تمامی سازمان ها و شرکت ها تنهادست یافتن به سود و موفقیت اقتصادی مطرح بود. اما گذشت زمان و افزایش ادراکات انسانی و صدمه هایی که توسط کارخانجات و شرکت های مختلف به محیط زیست، بهداشت و شرایط زندگی افراد جامعه وارد نمودند منجر به اعتراضات و مشکلات بسیاری برای فعالیت سازمان ها گردید.

ر این امر باعث شد تا مسئولیت نوبنی بر مسئولیت های سازمان ها اضافه گردد و آن "مسئولیت اجتماعی" بود. از آن پس بود که بر طبق این مسئولیت سازمان ها موظف گردیدند تا در انجام اقدام به هر فعالیتی علاوه بر منافع اقتصادی منافع جامعه و زیست محیطی را نیز در نظر آورند.

از این پس بود سازمان ها که تشکیل یافته از عناصر انسانی بودند به عنوان یک موجود زنده و پویا قلمداد شدند. بنابراین نتایج هر فعالیتی که سازمان ها انجام می دادند نه تنها مربوط به خود آنها بلکه مربوط به کل جامعه بهستی و رفاه مربوط به سل هایی اینده بوده و مدیران هر سازمان قبل از هر برنامه ریزی ایستی تمامی جوانب کار را به خوبی سنجش نمایند در عرصه تجارت و کسب و کار امروز هم سازمان هایی که به ارائه خدماتی بر این اساس (فعالیت های سبز) اقدام می کنند مقبول تر بوده چینی مشتریان بیشتر و در نتیجه سوددهی و اثربخشی بیشتری خواهند داشت.

## و اصول الحق:

تفسیر: "کلمه توأصی به معنای سفارش کردن این به آن آن به این است. و توأصی به حق این است به یکدیگر را به حق سفارش کنند. سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نمایند زیرا راه حق استقامت و مداومت نمایند پس دین حق چیزی جز روی اعتقادی و عملی از حق و توأصی بر حق نیست و توأصی حق عنوانی است وسیع تر از عنوان امریه معروف و نهی از نکر، چون امریه معروف و نهی از نکر شامل اعتقادات و مطلق غیب بر عمل صالح نمی شود ولی توأصی بر حق هم شامل ربه معروف می شود هم شامل نهی از منکر."

وظایف مدیران امروز تنها محدود به کنترل و برنامه ریزی و دستوردهی و اعمال این نامه ها و روشها و حتی ارتباط با کارکنان و سهام داران و... نمی شود، بلکه جنبه از مدیریت نیز به آن اضافه شده است که با عنوان مدیریت اخلاقی از آن یاد می گردد. در این رویکرد به ویژه از دیدگاه اسلامی آن مدیران بایستی در تمامی فعالیت های خود یا توأصی به حق از هرگونه خطا گناه پرهیز نمایند.

بر طبق این تئوری مدیریت سازمان ها بایستی در انجام وظایف خود اصولی را رعایت نمایند، اصولی همچون رفتارهایی مناسب و انسانی با کارکنان و مشتریان، پرهیز از سوء استفاده از اختیارات سازمانی، بر شوه و فسق و فساد، اخلاقی، استفاده از منابع و تجهیزات سازمانی به نفع شخصی، پرهیز از عدم استخدام خویشتان و ندادن کار به بیگانه بدون شایستگی و..."

بنابراین مدیران وظیفه دارند که علاوه بر اجرای مدیریت کارآمد و صحیح و اخلاقی به هدایت کارکنان بر طبق اصول و مبانی انسانی و ارزشی بپردازند، و باعث افزایش تعهدات اخلاقی کارکنان نسبت به خود و در نتیجه سازمان گردند. برای این منظور می توانند از روش هایی مثل مدیریت مشارکتی، بهبود کیفیت زندگی کاری و افزایش زمینه خلاقیت برای کارکنان، تامین مکفی مالی و احساسی کارکنان و آموزش های لازم در این زمینه استفاده نمایند.

پس توأصی به حق و رعایت اصول اخلاقی، باعث کاهش استفاده از اصول غیر اخلاقی در سازمان گردیده و کارکنان و مدیران نیز با رعایت اصول اخلاقی خواهند بود. نتیجه این امر هم تسخیر این اصول به جامعه است که منجر به بهبود شرایط جامعه نیز خواهد گردید.

## نتیجه گیری:

قرآن و درس هایی که در آن نهفته است چنان گسترده و بی نهایت است که نیازمند سال ها تفکر و تدبیر خواهد بود. اما آنچه مسلم است آن است که در هر زمینه ای و در هر رشته ای (حتی در بسیاری از علوم) که تا کنون نیز بشر به کشف آن نائل نیامده (می توان هزاران درس و آموخته را یافت که هر یک از آنها بی شک بهترین و کامل ترین راهنما برای انسان و علوم مربوط به او خواهند بود. در این مقاله سعی شد تا نکته هایی بسار کوچک و اندک از این دریای بیکران مطرح گردد. درس هایی از علم مدیریت را که در آیات سوره مبارکه عصر نهفته بود به صورت خلاصه و کوتاه بیان گردد (مدیریت زمان، مدیریت عملکرد، مسئولیت های اجتماعی سازمان و مدیریت اخلاقی). باشد که هر یک از ما در هر زمینه علمی و در هر کجای این جهان بتوانیم با تدبیر این کلام روحانی و الهی هر روز درس های بیشتر و آموخته های مناسبتری را برای هر چه بهتر کردن دنیا و آخرت بیاموزیم.